

يکي از مساجد مهم و معروف که در سرزمين عراق وجود دارد، مسجد «برائا»ست. مسجدي که هم پيشينه تاريخي پيش از اسلام دارد و هم پس از ظهور اسلام مورد عنايت ويژه قرار گرفته است.

موقعيت جغرافيايي

حموي در معجم البلدان مي نويسد:

«برائا بالثاء المثلثة و القصر، محلة كانت تدعي في طرف بغداد، في قبله الكرخ و جنوب باب محول؛ برائا به ثاء سه نقطه و الف مقصور، محله اي بود در گوشه بغداد و در جهت قبله و جنوب باب محول قرار داشت».[۱]

شهيد در ذکري مي نويسد: «يکي از مساجد شريف، برائاست که در جهت غرب بغداد قرار دارد».[۲]

علامه مجلسي گفته است: « اين مسجد که در حال حاضر موجود است، تقريباً در ميانه راه بغداد و کاظمين قرار گرفته است».[۳]

چرا برائا ناميده شد؟

در اينکه چرا به اين سرزمين و اين مسجد برائا مي گويند، ظاهراً اين نام برگرفته از نام اولين کسي است که در اين سرزمين سرپناهي را ساخته و در آنجا به عبادت خداوند پرداخته است. او ابوشعيب برائي[۴] نام داشته، ولي روشن نيست که وي در چه دوراني پس از حضرت عيسي (ع) در آنجا مي زيسته.

نقل شده است اميرمؤمنان (ع) به فردي که در همان محدوده مي زيسته، دستور مي دهد تا در همان مکان مسجدي احداث کند و نام سازنده اين صومعه را بر آن گذارد. از اين مطلب روشن مي شود که فردي به همين نام در آنجا زندگي مي کرده است. به هر حال، حباب به دستور اميرمؤمنان چنين کرد و مسجد را برائا (يعني نام اصلي سازنده آن صومعه) ناميد.[۵]

سرزمين برائا در گذر تاريخ

برائا سرزمين بسيار مقدسي است و علاوه بر اينکه محل نماز و عبادت بسياري از انبياي الهي بوده، حوادث بسيار مهمي در آنجا به وقوع پيوسته است که بر اساس نقل تاريخ، به آنچه دست يافته ايم، مي پردازيم:

الف) پیش از اسلام

این سرزمین وقتی شرافت یافت که شماری از پیامبران الهی در آنجا به عبادت خدا پرداختند، اما اینکه این امر در زمان کدام پیامبر بود، باز هم روشن نیست. البته در تاریخ آمده که حضرت ابراهیم در این مکان مقدس نماز گزارده است و از این رو، محتمل است که تقدیس یافتن آن از زمان آن حضرت بوده است؛ اگر چه ممکن است این سرزمین از هزاران سال پیش از حضرت ابراهیم مقدس بوده باشد.

۱. عبادتگاه انبیاي الهی

در روایات متعددی آمده است که در این مکان مقدس پیامبران نماز گزارده‌اند [۶] و از امام محمد باقر (ع) نقل شده که فرمود: ما یافتیم که در این مکان پیش از این، حضرت عیسی نماز خوانده است [۷] و در روایت دیگری آمده است که حضرت ابراهیم خلیل الله نماز گزارده است. [۸]

امیرمؤمنان (ع) به حباب - یعنی همان راهبی که از صومعه بیرون آمده و به گفتگو با وی پرداخته بود - فرمود: به تو بگویم که چه کسی دیگر در اینجا نماز گزارده؟ گفت: آری. حضرت فرمود: ابراهیم خلیل الله (ع). [۹]

۲. محل دفن شماری از پیامبران

هنگامی که امیرمؤمنان در این سرزمین فرود آمد، فرمود: اینجا قبر پیامبری از پیامبران الهی است. [۱۰]

۳. خانه حضرت مریم

از دیگر مواردی که به این سرزمین تقدس خاصی داده است، اینکه حضرت مریم مادر حضرت عیسی (ع) در این مکان زیسته است. امیرمؤمنان (ع) در این خصوص فرموده است: «ارض برائا هذه بیت مریم؛ این سرزمین خانه مریم بوده». [۱۱]

۴. زادگاه حضرت عیسی (ع)

یکی از افتخارات بزرگ این سرزمین این است که در آن پیامبر بزرگی همچون حضرت عیسی (ع) متولد شده، بلکه یکی از آیات الهی در این سرزمین رخ داده است. در قرآن آمده که وقتی سخن درباره مادر عیسی شدت یافت، حضرت مریم ضمن سکوت، به گهواره اشاره کرد که عیسی (ع) در گهواره لب به سخن گشود و گفت: «من بنده خدایم. او کتاب (آسمانی) به من داد و مرا پیامبر قرار داد». [۱۲]

۵. محل چشم؟ شیرین‌تر از عسل

در این سرزمین چشمه‌ای شیرین‌تر از عسل وجود دارد که شاید مانند آن در جای دیگری یافت نشود. این چشمه همان آب گوارایی بود که خداوند برای مریم (س) پدید آورد. [۱۳]

ب) پس از اسلام

پس از ظهور اسلام نیز می‌توان فضایل زیر را برای این سرزمین برشمرد.

۱. محل اقامت چهار روز؟ امیرمؤمنان (ع)

در صفر سال ۳۸ هجری هنگامی که امیرمؤمنان از سرکوب خوارج در نهران فارغ شد، راه کوفه را در پیش گرفت و در سر راه خویش به این سرزمین رسید و راهبی را دید که در صومعه خود مشغول عبادت است. آن حضرت به سپاهیان خود فرمود تا در آن مکان فرود آیند. وقتی که راهب نگاهش به سپاهیان افتاد، پیش آمد و با فرمانده نیروها به گفتگو پرداخت. در اینجا نقل‌های تاریخی متفاوت است: اولین برخورد وی با امیرمؤمنان چگونه بوده است؟ آیا او با شناخت قبلی نزد آن حضرت رفت؟ و یا درخواست کرد تا منطقه را ترک گویند؛ چون در آن سرزمین به جز وصی پیامبر با سپاهیان فرود نمی‌آیند؟ شیخ طوسی در امالی از امام محمد باقر (ع) نقل کرده که فرمود: وقتی که امیرمؤمنان از جنگ خوارج برگشت، از سرزمین زوراء عبور کرد. به مردم گفت: این زوراء است. هر چه زودتر از این منطقه عبور کنید؛ چرا که بیم فرو رفتن در این سرزمین بسیار زیاد است. پس لشکر به راه خود ادامه داد تا به سرزمین سواد رسید. ناگهان به راهبی برخورد کردند. حضرت به او فرمود: ای راهب! در این مکان فرود آییم؟

راهب گفت: با سپاهیان در این سرزمین فرود نیا. حضرت فرمود: چرا؟ گفت: چون کسی در این سرزمین به همراه سپاهش فرود نمی‌آید، مگر آنکه پیامبر باشد یا جانشین پیامبری که در راه خدا به جنگ می‌پردازد. این چیزی است که در کتاب‌هایمان دیده‌ایم. امیرمؤمنان (ع) فرمود: من جانشین سید پیامبران و سید جانشینان هستم. راهب گفت: پس تو باید همان اصلح قریش و جانشین محمد (ص) باشی؟

حضرت فرمود: آری، من همانم.

آن گاه راهب از صومعه خود پایین آمد و گفت: از هم اکنون شرایع اسلام را بر من بشناسان؛ چرا که وصف تو را در کتاب انجیل دیده‌ام و خوانده‌ام که تو در سرزمین برائا، خانه حضرت مریم و زمین حضرت عیسی (ع) فرود می‌آیی.

امیرمؤمنان فرمود: بر جای خود بایست و از چیز دیگری ما را خبر نکن.

۲. آشکار کردن چشمه مریم(س)

سپس امیرمؤمنان چند قدمی راه رفت و پای خود را به شدت به موضعی کوبید که ناگاه در زیر پای حضرت آب فواره زد. امام فرمود: این همان چشمه‌ای است که برای حضرت مریم از زمین جوشید. سپس فرمود: هفت ذراع دورتر از این، چاهی حفر کنید. آنان چنین کردند و سنگ سفید رنگی آشکار شد. حضرت فرمود: مریم(س) حضرت عیسی را بر روی همین سنگ به دنیا آورد و در همین جا نماز خواند. سپس آن سنگ را در جانب قبله نصب کرد و به سوی آن نماز گزارد و چهار روز در آنجا اقامت کرد. [۱۴]

۳. برگزاري نماز جماعت یکصد هزار نفری

در مدتی که امیرمؤمنان (ع) در برائا توقف کرده بود، نمازهای جماعت بسیار با شکوهی برگزار می‌شد و سپاه امام (ع) ، به ایشان اقتدا می‌کردند.

شیخ طوسی در تهذیب از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده: هنگام بازگشت از جنگ خوارج، وقتی که به برائنا رسیدیم، حضرت با سپاهیان خود که حدود یکصد هزار نفر بودند، نماز جماعت برگزار کرد. در این هنگام یک نصرانی از صومعه خویش بیرون آمد و گفت: فرمانده این لشکر کیست؟ گفتیم: همین شخص (و به حضرت اشاره کردیم).

او پیش آمد و بر حضرت سلام گفت و اظهار داشت: ای سید من! تو پیامبری؟

فرمود: خیر، پیامبر سید و آقایم بود که از دنیا رفته است.

گفت: تو وصی پیامبری هستی؟ فرمود: آری. سپس فرمود: بنشین، برای چه چنین پرسشی کردی؟ گفت: این صومعه به سبب ارزش این مکان در اینجا ساخته شده. من در کتاب‌های آسمانی خوانده‌ام که کسی در این مکان با این سپاه عظیم نماز نمی‌خواند، مگر آنکه پیامبر یا جانشین پیامبری باشد و من آمده‌ام تا به دست تو مسلمان شوم. [۱۵]

۴. احداث مسجد برائنا

پس از مسلمان شدن آن راهب، حضرت به او دستور فرمود تا محل صومعه را به مسجدی تبدیل کند و آن را به نام بانی اول همین صومعه که برائنا نام داشت، نامگذاری کند. او نیز به فرمان امیرمؤمنان (ع)، مسجدی به همین نام احداث کرد. [۱۶]

ابن شهر آشوب می‌نویسد: حباب پس از احداث مسجد برائنا، در کوفه به امیرمؤمنان ملحق شد و همچنان در آنجا حضور داشت تا اینکه امیرمؤمنان کشته شد. وی پس از شهادت علی (ع) به مسجد برائنا برگشت. [۱۷]

پیشگویی درباره برائنا

درباره مسجد برائنا و سرزمین‌های اطراف آن از امیرمؤمنان و امام صادق (ع) چند پیشگویی نقل شده است که برخی از آنها به وقوع پیوسته و برخی دیگر هنوز به وقوع نپیوسته است.

۱. در ملاقاتی که امیرمؤمنان در بدو ورود به سرزمین برائنا با حباب داشتند، به وی فرمودند: بدان ای حباب که در کنار مسجد تو، شهری ساخته خواهد شد و ستمگران و جباران در آن زیاد خواهند شد. گناه در آن چنان رایج می‌شود که هر شب جمعه هفتاد هزار کار خلاف و نامشروع انجام خواهد شد. طغیان آن گروه ستمگر چنان بالا می‌گیرد که به این مسجد حمله ور می‌شوند و خرابش می‌کنند. پس اگر چنین کردند، سه سال از رفتن به خانه خدا منع خواهند شد و در برابر این گناهان، سبزی‌جاتشان به آتش کشیده می‌شود و خداوند مردی از اهل سفح را بر آنان مسلط خواهد کرد که بر شهری داخل نمی‌شود، مگر آنکه آن شهر و مردمش را از بین ببرد. [۱۸]

۲. در پیشگویی دیگری، حضرت به حباب فرمود: این مسجد همچنان پابرجاست. پس اگر آن مسجد را خراب کردند و درختانش را قطع کردند، حوادث ناگواری بر آن مردم روی خواهد آورد. [۱۹]

۳. امام صادق (ع) نیز درباره‌ی زنده شدن گروهی از شهدا سخن به میان آورده است که معلوم نیست اینان در چه زمانی و در چه واقعه‌ای در حدود مسجد برائا به شهادت می‌رسند. به فرموده امام صادق (ع) : در روز قیامت ۱۲۰ هزار نفر از شهدا از آنجا زنده می‌شوند و به سوی محشر و رستاخیز حرکت می‌کنند. [۲۰]

پی‌نوشت‌ها

[۱]. معجم البلدان، ج ۱.

[۲]. الذکری.

[۳]. سفینة البحار، ج ۱، ص ۶۸.

[۴]. همان.

[۵]. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۸.

[۶]. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۰.

[۷]. همان.

[۸]. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۲۶۵.

[۹]. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۴۳۹.

[۱۰]. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۲۶۵.

[۱۱]. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۰.

[۱۲]. مریم/۳۰.

[١٣]. مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٤٣٠.

[١٤]. امالي، شيخ طوسي؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٤٢٩؛ مناقب آل ابي طالب، ج ٢، ص ٢٦٥.

[١٥]. تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٢٦٤؛ بحار الانوار، ج ٣٣، ص ٤٣٩.

[١٦]. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢١٨؛ مناقب آل ابي طالب، ج ٢، ص ٢٦٥.

[١٧]. مناقب آل ابي طالب، ج ٢، ص ٢٦٥.

[١٨]. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢١٨.

[١٩]. مناقب آل ابي طالب، ج ٢، ص ٢٦٥.

[٢٠]. بحار الانوار، ج ٩٧، ص ٣٢١.